امام زمان «علیه السلام» در نگاه مذاهب چهارگانه اهل سنت

مهدی اکبرنژادمقدمه

اعتقاد به ظهور مهدی موعود علیه السلام بخشی از اعتقادات اسلامی را تشکیل می دهد و با وجود پاره ای از اختلاف نظرها در برخی از جزئیات مربوط به شخص امام مهدی علیه السلام و نیز در باره چگونگی ظهور و تشکیل حکومت آن حضرت، تمامی مذاهب اسلامی به آمدن چنین شخصیتی در آخر الزمان باور دارند و بر خلاف نظر بعضی از نویسندگان، این عقیده اختصاص به مذهب شیعه نداشته و ندارد و این واقعیت با مراجعه به منابع روایی و دیدگاههای عالمان مذاهب اسلامی به خوبی روشن می شود. عالمان و دانشمندان چهار مذهب اصلی اهل سنت، یعنی: شافعیان، حنبلیان، مالکیان و حنفیان به این واقعیت تصریح دارند و آن را از جمله اعتقادات اسلامی بر شمرده و حتی برخی آن را ضروری دین نیز دانسته اند.

با این وصف، برخی از نویسندگان اسلامی و به ویژه در دوره اخیر، از پذیرفتن اصل مهدویت سرباز زده اند و با دلایلی که به نظر می رسد برخی از آنها برگرفته از دیدگاههای مستشرقان باشد، به انکار مهدویت به عنوان عقیده ای اسلامی پرداخته و آن را بر آمده از تفکرات شیعه معرفی کرده اند.

بر خلاف این اظهار نظر غیر کارشناسانه، اعتقاد به امام مهدی علیه السلام و تصریح بر اسلامی بودن این باور، از سده های نخستین تاریخ اسلام تاکنون وجود داشته و در آثار و نوشته های دانشمندان اسلامی منعکس شده است و نادیده گرفتن این واقعیت همانند انکار امور بدیهی و واضح است.

در این نوشتار، برای اثبات این ادعا گفته ها و نوشته هایی از دانشمندان چهار مذهب اصلی اهل سنت ذکر می شود که به روشنی بیانگر این مهم است؛ البته باید اعتراف کرد که توجه به این موضوع در میان عالمان شافعی مذهب جایگاه ویژه و برتری داشته است و آثار و تألیفات آنان در این زمینه، بیش از آثار و تألیفات دیگر دانشمندان مذاهب اسلامی می باشد.

الف. دانشمندان شافعی

آنان توجه خاص و ویژه ای به موضوع مهدویت داشته اند و در بسیاری از آثار و نوشته های خود، از زوایای مختلف به طرح این بحث و مباحث پیرامونی آن پرداخته اند؛ گاهی با ذکر روایات و احادیث

مربوط، گاهی با بیان ویژگیها و اوصاف حضرت و دیگر گاه با رد اشکالات و شبهاتی که در این حوزه وارد شده است.

یادآوری این نکته مفید است که تعدادی از دانشمندان شافعی مذهب در مورد خصوصیات و ویژگیهای امام علیه السلام با شیعه هم عقیده هستند و این واقعیت از لا به لای برخی نوشته های آنان مشهود است. اینک برخی از نوشته ها و نظرات تعدادی از نویسندگان شافعی مذهب ذکر می شود:

1.کمال الدین محمد بن طلحة الشافعی (م قرن هفتم ه . ق)

وی با نوشتن کتاب «مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول» دیدگاههای خود را در باره امامان معصوم علیهم السلام بیان داشته است و همان گونه که از نام کتاب پیداست، مؤلف، آن را در باره فضایل و زندگی نامه امامان علیهم السلام نگاشته است و به همین سبب، باب آخر کتاب را به امام مهدی علیه السلام اختصاص داده و در آنجا نظرات خود را در باره آن حضرت بیان داشته است.

نکته مهم و قابل توجه در اندیشه این نویسنده، این است که در مورد شخص آن حضرت، به مانند شیعه معتقد است که ایشان فرزند امام عسکری علیه السلام می باشد و اکنون نیز در قید حیات است.

برای اثبات ظهور امام علیه السلام ، احادیث متعددی را از منابع اهل سنت ذکر کرده و در پایان نیز به بررسی و ارزیابی برخی اشکالات در باره امام مهدی علیه السلام پرداخته و به تفصیل آنها را پاسخ داده است. از جمله آن اشکالات اینکه چگونه مهدی موعودی که پیامبر صلی ا علیه و آله وعده آمدن وی را داده است، همان محمد بن الحسن العسکری می باشد؟

نویسنده در توجیه حدیث «اسم ابیه اسم ابی» که برخی منابع اهل سنت آن را به نقل از پیامبر صلی ا علیه و آله ذکر کرده اند، توضیح مفصل و ارزشمندی را بیان داشته است.

2. کنجی شافعی (م قرن هفتم ه . ق)

یکی از کتابهای خوب و منظمی که احادیث و مباحث مربوط به امام مهدی علیه السلام را با ترتیبی خاص و با ابواب و موضوعاتی منسجم ذکر کرده، کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» نوشته کنجی شافعی است. وی در مقدمه کتاب می نویسد:

«من این کتاب را به نام «البیان فی اخبار صاحب الزمان» نامیدم و از ذکر هر روایتی که از طریق شیعه وارد شده، اجتناب کرده؛ که شیعه هر چند نقلش صحیح باشد، برای آنان کارساز است... و استدلال به احادیث غیر شیعه مسئله را تأکید بیشتری خواهد بخشید.»

نکته حائز اهمیت در این نوشته آن است که نویسنده با عنوانی که به آخرین باب داده ـ بر خلاف نظر بیشتر اهل سنت ـ امام مهدی علیه السلام را متولد شده می داند و معتقد است که وی دارای حیات است.

وی در ابتدای باب 25 می نویسد:

«هیچ امتناعی در بقاء مهدی وجود ندارد؛ به دلیل اینکه عیسی و الیاس و خضر علیهم السلام که از اولیای خداوند می باشند، زنده اند و دجال و ابلیس که از دشمنان خداوند هستند نیز زنده اند و زنده بودن اینها به وسیله قرآن و سنت اثبات شده. آن گاه که بر این موضوع اتفاق کرده اند، زنده بودن مهدی را انکار کرده اند. پس بعد از این به سخن هیچ عاقلی توجه نمی شود، اگر بخواهد باقی بودن مهدی را انکار نماید.

نویسنده در ادامه، با ذکر دلایل و مستنداتی، زنده بودن عیسی و خضر علیهماالسلام را اثبات می کند و از این دلایل نتیجه می گیرد که زنده ماندن امام مهدی علیه السلام در مدت طولانی هیچ استبعادی ندارد.

3.اسماعیل بن کثیر(م 774 ه . ق)

وی در کتاب «النهایة فی الفتن و الملاحم» فصل ویژه ای برای امام مهدی علیه السلام گشوده و ضمن توضیحاتی در باره ایشان، احادیث و روایات زیادی را نقل کرده و در پاره ای از موارد به توضیح آنها نیز پرداخته است. وی عنوان این فصل را چنین ذکر کرده: «فصل فی ذکر المهدی الذی یکون فی آخر الزمان.»

در ابتدای این فصل این چنین آغاز می کند:

«مهدی علیه السلام یکی از خلفای راشدین و از امامان هدایتگر می باشد که روایات منقول از رسول خدا صلی ا علیه و آله در مورد او نقل شده و گویای این است که حضرت در آخر الزمان خواهد آمد و به گمانم ظهورش پیش از آمدن عیسی علیه السلام باشد.»

وی تصریح می کند که مهدی موعود علیه السلام از ذریه رسول خدا صلی ا علیه و آله و از فرزندان فاطمه علیهاالسلام می باشد.

نویسنده بعد از ذکر برخی از احادیث، در باره سند آنها به قضاوت نشسته و در چند مورد، اسناد این روایات را صحیح و یا حسن دانسته است.

4.سعد الدین تفتازانی (م 793 ه . ق)

وی در مبحث امامت کتاب «شرح المقاصد» که آخرین بخش این کتاب است، موضوع ظهور امام مهدی علیه السلام را مورد توجه قرار داده، می نویسد:

«روایات صحیحه ای در مورد ظهور پیشوایی از نسل فاطمه علیهاالسلام آمده و چنین دلالت دارد که آن حضرت، دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، پس از پر شدنش از ظلم و ستم... .»

وی در ادامه، ظهور امام علیه السلام را از جمله نشانه های قیامت بر شمرده و مجددا بر صحت اخبار مهدویت تأکید ورزیده؛ هر چند آنها را احادیث آحاد دانسته است.

البته نگاهی نقادانه به نگرش شیعه به مهدویت دارد و زنده بودن امام مهدی علیه السلام را امری بعید دانسته و ظاهرا مهم ترین دلیل وی در این مطلب، همین استبعاد حیات حضرت می باشد که معلوم است استبعاد تنها، نمی تواند دلیل قانع کننده و درستی باشد؛ چون واضح است که اگر با استبعاد تنها بشود موضوعی را منکر شد، بسیاری از مباحث و مسائل به راحتی قابل انکار خواهد بود و البته این شیوه ای پسندیده نمی باشد.

5. جلال الدین سیوطی (م 911 ه . ق)

وی که از نویسندگان برجسته اهل سنت در زمینه های گوناگون حدیثی، تفسیری و علوم قرآنی است، تألیف مستقلی در باره امام مهدی علیه السلام دارد با نام «العرف الوری فی اخبار المهدی» و در آن صدها حدیث را از منابع متعدد و مختلف اهل سنت جمع آوری کرده است و این کار، نشان از اهتمام و توجه جدی وی به این موضوع دارد. نویسنده که بیشتر به نقل احادیث اکتفا کرده و به ندرت توضیحاتی در باره آنها ذکر کرده است، در پایان، فصلی را گشوده و در آن چهار نکته مهم را یادآوری کرده که عبارت است

از:

1. مهدی علیه السلام یکی از خلفای دوازده گانه ای است که در حدیث جابری سمره ذکر شده ؛

2. مهدی علیه السلام نمی تواند از فرزندان عباس بن عبد المطلب باشد؛

3. سند حدیث «َلا مَهْدِی اِ ّ َلا عِیْسَی بْنُ مَرْیَمَ» ضعیف است؛ چون با نقل متواتری که گویای ظهور مهدی علیه السلام است، و اینکه وی از فرزندان رسول خدا صلی ا علیه و آله می باشد و عیسی پشت سر او نماز خواهد خواند، متعارض است؛

4. آنچه نقل شده که مهدی علیه السلام از مغرب ظهور خواهد کرد، هیچ پایه و دلیلی ندارد.

علاوه بر آنچه که وی در این اثر نقل کرده، در برخی دیگر از آثارش، همانند: «الجامع الصغیر» احادیثی را در باره امام مهدی علیه السلام ذکر کرده است.

6.ابن حجر هیتمی (م 974 ه . ق)

وی در کتاب «الصواعق المحرقه» در ذیل آیه دوازدهم که در فضایل اهل بیت علیهم السلام نقل کرده، روایات مربوط به امام مهدی علیه السلام را با تفصیل زیادی از منابع متعدد اهل سنت آورده است و در ادامه می نویسد:

«قول بهتری است که خروج امام مهدی علیه السلام پیش از ظهور عیسی علیه السلام می باشد؛ ولی برخی نیز گفته اند: بعد از آن می باشد. ابو الحسن آبری می گوید: روایات ظهور مهدی علیه السلام که از رسول خدا صلی ا علیه و آله نقل شده و متواتر و مستفیض هستند، دلالت دارند که وی از اهل بیت پیامبر صلی ا علیه و آله است و زمین را پر از داد می کند و به همراه عیسی علیه السلام خروج می نماید و او را در کشتن دجال در درب «لدّ» در سرزمین فلسطین یاری می رساند و او امام این امت خواهد شد و عیسی علیه السلام پشت سر او به نماز می ایستد.»

وی در شرح حال ابی القاسم محمد الحجة می گوید:

«سن وی هنگام وفات پدر، پنج سال بوده که خداوند در این سن به وی حکمت عطا کرد.»

با اینکه سخن وی صراحت در تولد پسر امام عسکری علیه السلام دارد، اما در ادامه و نیز در جایی دیگر، شدیدا بر شیعیان تاخته است که چرا آنان مهدی موعود علیه السلام را همان فرزند امام عسکری علیه السلام دانسته اند.

هیتمی در جایی دیگر و در پاسخ به پرسشی در مورد اعتقاد به یک مدعی مهدویت و نیز سؤال در باره حکم منکران امام مهدی علیه السلام چنین نوشته است:

«اعتقاد این گروه (معتقدان به مهدی بودن آن شخص) باطل و زشت است و بدعتی فاحش و گمراهی حتمی می باشد و اما انکار مهدی علیه السلام اگر به خاطر انکار سنت باشد، حکم کفر و ارتداد آنان باید صادر شود و کشته شوند و اگر این انکار، نه به خاطر انکار سنت، بلکه صرف دشمنی با بزرگان اسلامی باشد، پس تعزیر آنان لازم است.»

وی ضمن یادآوری مطلب یاد شده و تأکید بر آن در کتاب «الفتاوی الحدیثیة» برای استوار کردن رد این افکار و عقاید، احادیث متعدد و مختلفی را در باره امام مهدی علیه السلام ذکر کرده و به استناد آنها، ادعای آنان را غیر قابل قبول معرفی کرده است.

ضمنا وی کتابی مستقل در باره امام مهدی علیه السلام به رشته تحریر در آورده با نام «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» که این نوشته در سه باب و یک خاتمه خلاصه شده و باب اول به بیان نشانه ها و خصوصیاتی که برای امام مهدی علیه السلام در روایات آمده، اختصاص یافته است و در این قسمت، با استناد به احادیث، 63 عنوان را یادآور شده است. در باب دوم روایات و احادیثی را که از صحابه ذکر شده، نقل کرده و در آن 39 حدیث را آورده است. در باب سوم آنچه که از تابعین در باره امام علیه السلام نقل شده، آورده که جمع آنها 56 حدیث است و در خاتمه کتاب، مباحث مختلفی از قبیل خروج امام علیه السلام پیش از آمدن عیسی علیه السلام ، علامات نزول عیسی علیه السلام ، خروج یأجوج و مأجوج، و نیز خروج دابة الارض را با تکیه بر احادیث و گفته های علما ذکر کرده است.

افزون بر این چند مورد که از میان علمای شافعی مذهب ذکر شد، شمار زیادی از دانشمندان شافعی، در باره امام مهدی علیه السلام با صراحت اظهار نظر کرده اند و برخی حتی تألیف مستقل و ویژه ای در این مورد به سامان رسانده اند که به جهت رعایت اختصار تنها نام چند نفر از آنها برده می شود: 1.

مناوی (م 103 ه . ق) در کتاب «فیض القدیر»؛ 2. محمد رسول برزنجی (م 1103 ه . ق) در کتاب «الاساعة لا شراط الساعة»؛ 3. محمد الصبان (م 1307 ه . ق) در کتاب «اسعاف الراغبین و ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون.»

ب. دانشمندان حنبلی1. امام احمد بن حنبل (م 241 ه . ق)

وی رئیس فرقه حنبلی هاست و نویسنده یکی از گسترده ترین و کهن ترین جوامع حدیثی اهل سنت نیز به شمار می رود. وی در این مجموعه حدیثی، احادیث مختلف و متعددی را در باره امام مهدی علیه السلام ذکر کرده است. یکی از فضلای محترم حوزه علمیه قم در اقدامی شایسته، احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام را که در این کتاب حدیثی آمده، جمع آوری کرده و با نام «احادیث المهدی علیه السلام من مسند احمد بن حنبل» به چاپ رسانده است.

در این کتاب، 136 حدیث از مسند احمد استخراج شده و طی چند بخش تنظیم گردیده است که در بردارنده موضوعات متعدد و مختلفی در باره امام مهدی علیه السلام است؛ از نشانه های ظهور آن حضرت تا ظهور و وضعیت عصر ظهور و دیگر موضوعات مرتبط با امام مهدی علیه السلام .

ممکن است گفته شود: چون احمد بن حنبل در باره این احادیث قضاوت خاص نداشته است، پس ذکر این احادیث نمی تواند دلیلی برای اثبات دیدگاه و نظر او در این باره باشد؛ ولی در جواب باید گفت: ثبت این تعداد زیاد از احادیث در این جامع حدیثی کهن، حتما نشان از پذیرش و اعتماد نویسنده بر این احادیث دارد و چنین اهتمامی از سوی وی حکایت از مقبولیت محتوای آنها نزد وی دارد. بنابراین، مهم ترین شخصیتِ فرقه حنبلی که در موضوع مهدویت دیدگاهش روشن و مشخص است، امام آنها یعنی احمد بن حنبل است.

2.ابن تیم جوزیه حنبلی (م 751 ه . ق)

وی که از نویسندگان سرشناس و معروف اهل تسنن است، فصل پنجاهم کتاب «المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف» را به مباحث مربوط به امام مهدی علیه السلام اختصاص داده و در ردّ حدیث جعلی «َلا مَهْدِیَّ اِلّا عِیسَی بْنُ مَرْیَمَ؛ مهدی جز عیسی وجود ندارد.» مطالب و مباحث مختلفی را ذکر کرده و از قول برخی از دانشمندان اهل سنت، از جمله احمد بن الحسین آبری تواتر روایات نبوی را در باره امام مهدی علیه السلام یاد آور می شود و می گوید: «تواتر در این باره وجود دارد که آن حضرت

از اهل بیت رسول خدا صلی ا علیه و آله است و عیسی علیه السلام به هنگام ظهور وی، خواهد آمد و در نماز به او اقتدا خواهد کرد.»

وی در ادامه، برای تأکید گفته آبری، روایات متعددی را از منابع اهل سنت ذکر کرده و هنگام تقسیم بندی این احادیث، تصریح دارد که اینها چهار دسته هستند: صحیح، حسن، غریب و موضوع.

و به این ترتیب، تعدادی از احادیث امام مهدی علیه السلام را صحیح و حسن دانسته و آنها را دارای حجیت و قابل برای استدلال معرفی کرده است.

3. یحیی بن محمد حنبلی (م قرن دهم ه . ق)

وی در پاسخ به پرسشی در مورد معتقدان به یک مدعی مهدویت و نیز در باره منکران اصل مهدویت چنین نوشته است:

«الحمد اللهم اهدنا لما اختلف فیه الحق باذنک! عقیده مذکور بدون شک، باطل است؛ چون مستلزم مخالفت و ردّ احادیث صحیحی است که از پیامبر صلی ا علیه و آله رسیده و پیامبر صلی ا علیه و آله در این احادیث از ظهور مهدی علیه السلام در آخر الزمان خبر داده و ویژگیهای شخصی مهدی علیه السلام و حوادث زمان ظهور را یاد کرده است. یکی از علائم مهم ظهور مهدی علیه السلام که کسی نمی تواند ادعا کند که واقع شده است، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام از آسمان و قرار گرفتن او در کنار مهدی علیه السلام و نمازگزاردن او پشت سر آن حضرت و همین طور خروج دجال و کشته شدن او می باشد... و کسی که مهدی موعود علیه السلام را تکذیب کند، رسول خدا صلی ا علیه و آله به کفر او خبر داده است... .»

ج. عالمان حنفی و مهدویت

تعدادی از عالمان و نویسندگان حنفی مذهب در باره مهدویت و اعتقاد به مهدی آخر الزمان، نوشته ها و آثار خوب و ارزشمندی را از خود بر جای گذاشته اند. در پاره ای از موارد، علاوه بر اصل اعتقاد به ظهور امام مهدی علیه السلام ، به مانند شیعه به زنده بودن وی نیز معتقد می باشند و اینک دیدگاه چند نفر از دانشمندان حنفی مذهب در پی می آید:

1. ابن جوزی (م 650 ه . ق)

وی در کتاب معروفش، «تذکرة خواص الامة فی خصائص الائمة علیهم السلام »، فصلی جداگانه به امام مهدی علیه السلام اختصاص داده و مباحث و موضوعات مختلفی در این باره نگاشته است و در آغاز این فصل می گوید:

«فصل فی ذکر الحجة المهدی هو محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا و کنیته ابو عبد ا و ابو القاسم و هو الخلف الحجة صاحب الزمان.»

آن گاه روایاتی از منابع اهل سنت ذکر می کند که در آنها موضوعات مربوط به امام مهدی علیه السلام مطرح شده است. ابن جوزی سپس به دیدگاه امامیه در باره زنده بودن امام مهدی علیه السلام پرداخته و برخی دلایل شیعیان در این باره را یاد آور شده است. از نوشته ابن جوزی چنین بر می آید که وی اعتقاد شیعه را در باره امام مهدی علیه السلام پذیرفته و آن را منطقی و قابل قبول دانسته است.

2. ابن طولون دمشقی (م 935 ه . ق)

وی که در حدیث، فقه و تاریخ صاحب نظر و در بسیاری از موضوعات دارای آثار و نوشته هایی بوده، کتابی با نام «الائمة الاثاعة» دارد که بخشی را به «الحجة المهدی» اختصاص داده و در آن به بحث در باره امام مهدی علیه السلام پرداخته است. در این اثر، بیشتر عقاید و اندیشه های شیعه در مورد ولادت امام مهدی علیه السلام و زنده بودن آن حضرت را نوشته است و هر چند با صراحت این عقاید را نپذیرفته، ولی از لا به لای نوشته وی چنین بر می آید که تمایل به قبول آنها دارد و البته اظهار نظر صریح را به کتاب دیگرش با نام «الهدی الی ماورد فی المهدی» موکول کرده و ظاهرا از این نوشته هم اثری باقی نمانده است.

ابن طولون در کتاب «الائمة اثنا عشر» با احترام و تجلیل فراوان اسامی امامان دوازده گانه شیعه را در اشعاری گنجانده است.

3.عبد الوهاب شعرانی (م 973 ه . ق)

وی در باب 56 کتاب «الیواقیت و الجواهر» نشانه های قیامت را که در احادیث آمده، ذکر کرده که از

جمله آنها، خروج امام مهدی علیه السلام می باشد. نکته قابل توجهی که وجود دارد، این است که وی با وجود حنفی بودن، به مانند شیعه معتقد است امام مهدی علیه السلام فرزند امام عسکری علیه السلام است و اکنون زنده و در قید حیات می باشد و تا زمان ظهور عیسی علیه السلام نیز زنده خواهد ماند. به متن عبارت وی بنگرید:

«وی (امام مهدی علیه السلام) از فرزندان امام عسکری علیه السلام است و ولادتش در شب نیمه شعبان سال 255 ه . ق اتفاق افتاده و تا زمان آمدن عیسی علیه السلام زنده خواهد ماند.»

بدین شکل، وی نه تنها آمدن و ظهور امام مهدی علیه السلام را در آخر الزمان از جمله موارد حتمی بر شمرده است، بلکه تولد آن حضرت و حیات ایشان را تا زمان ظهور قبول دارد و از این جهت، اندیشه و عقیده وی بسیار نزدیک به عقیده شیعه می باشد.

4. ابو السرور حنفی (م قرن دهم ه . ق)

وی که مفتی حنفیها در شهر مکه بوده است، در پاسخ به استفتائاتی که جماعتی از مسلمانان هند از علمای آن زمان مکه کرده اند و از آنان خواسته اند که نظرشان را در مورد اعتقاد به یک مدعی مهدویت و نیز منکران مهدویت بنویسند، چنین گفته است:

«اعتقاد این طایفه زشت کردار باطل است و پوچ. باید با عقیده باطل و پیروان آن به سختی مبارزه کرد و این فکر یاوه را از مغز آنان در آورد؛ چون این عقیده مخالف است با احادیث صحیح و سنن صریح و متواتری که به وسیله راویان بسیار و اخبار فراوان رسیده است و آن احادیث و سنن همه می گوید که مهدی موعود علیه السلام که در آخر الزمان خروج می کند، همراه عیسی علیه السلام خواهد آمد و با کمک او، دجال را خواهد کشت. برای ظهور او، علامتهایی است، از جمله: خروج سفیانی و گرفته شدن ماه و خورشید در ماه رمضان بر خلاف معمول.»

از این گفته به خوبی نگاه مذهب حنفی به موضوع امام مهدی علیه السلام آشکار می شود و معلوم می گردد که نه تنها آنان این فکر را قبول دارند، بلکه آن را مضمون احادیث صحیح و متواتر می دانند و این نکته بسیار مهمی می باشد.

5.سلیمان بن ابراهیم قندروزی (م 1294 ه . ق)

وی که متولد شده در بلخ می باشد، بیشتر تحصیلاتش را در همان دیار سپری کرد و ادامه تحصیلات را در بخارا گذراند. بعد از آن به تصوف و عرفان نیز روی آورد و از بزرگان صوفیه شد. بدین شکل، هم در مباحث نقلی و هم طریقی صاحب مقاماتی گردید.

او کتاب «ینابیع المودة» را در مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السلام نگاشته است و بخش عمده ای از آن را به مباحث مربوط به امام مهدی علیه السلام اختصاص داده و آیات تفسیر و تأویل شده در باره آن حضرت را ذکر کرده و نیز روایاتی که در مورد ایشان نقل شده، از منابع مختلف آورده است. همین طور، احادیث خلفای دوازده گانه و تفسیرهایی که برای آنها شده را ذکر کرده و نقلهایی که در باره ولادت ایشان شده و نیز علمای سنی مذهب را که تصریح بر ولادت آن کرده اند، نام برده است. در بخش دیگر، کرامات و خارق عادتهایی که توسط آن حضرت انجام شده را نقل کرده و ملاقات کنندگان با ایشان را در دوره غیبت یاد آور شده است.

از مجموع نوشته های وی چنین بر می آید که نویسنده درباره امام مهدی علیه السلام همانند شیعه می اندیشد و معتقد به ولادت و زنده بودن آن حضرت است.

6. ابو البرکات آلوسی (م 1371 ه . ق)

وی در کتاب «غایة المواعظ» در بخش شمارش نشانه های برپایی قیامت ـ به مانند برخی دیگر از دانشمندان اهل سنت ـ ظهور امام مهدی علیه السلام را از جمله این نشانه ها دانسته و گفته است که قول صحیح تر نزد بیشتر عالمان و دانشمندان، ظهور و خروج امام مهدی علیه السلام است.

وی از قول ابن حجر هیتمی در «الصواعق المحرقة» نقل می کند که آیه «وَ اِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسّاعَة» در مورد امام مهدی علیه السلام نازل شده است. آن گاه در ادامه می گوید که در باره آمدن امام مهدی علیه السلام ، احادیث و اخبار متعددی وارد شده و به همین مناسبت، تعدادی از این احادیث را ذکر کرده است. در باره سیر حکومتی که امام خواهد داشت، بحثهایی را مطرح کرده و نظرات عالمان معروف را مورد اشاره قرار داده است.

وی در پایان، با اشاره به اعتقاد شیعه در مورد زنده بودن امام علیه السلام ، این باور را مردود دانسته و آن را انکار می کند؛ البته دلیل خاصی برای این کار ارائه نکرده است.

د. امام مهدی علیه السلام در نگاه مالکیان

همانند دیگر عالمان مذاهب اسلامی، علمای فرقه مالکی باور به ظهور و فرج امام مهدی علیه السلام را یکی از اعتقادات خود دانسته و بر آن تأکید ورزیده اند. این واقعیت در نوشته ها و آثار آنان کاملاً مشهود و واضح است. در دوره های مختلف، تصریح بر این عقیده در لا به لای کتابها و نوشته های آنها دیده می شود. اینک از باب نمونه به گزارشی از نوشته ها و گفته های برخی از دانشمندان برجسته این فرقه پرداخته می شود:

1. قرطبی مالکی (م 671 ه . ق)

او که از جمله عالمان و نویسندگان معروف و شناخته شده اهل سنت است، آثار علمی و مشهوری از خود بر جای گذاشته که مهم ترین آنها تفسیر «الجامع لاحکام القرآن» است. وی در کتاب دیگرش با نام «التذکرة فی احوال الموتی و امور الآخرة» ابواب و فصولی را به بحث در باره امام مهدی علیه السلام اختصاص داده و با بیان احادیث متعددی از منابع اهل سنت، این موضوع را دنبال کرده و در توضیح برخی از این احادیث، مطالبی را در مورد امام مهدی علیه السلام بیان داشته است؛ البته نویسنده در تفسیر آیه 33 سوره توبه، در کتاب تفسیرش، مضمون آن آیه را که وعده خداوند بر غلبه دین اسلام است، بنا بر قولی منطبق بر عصر و زمان امام مهدی علیه السلام دانسته است.

2.ابن صباغ مالکی (م 855 ه . ق)

وی که از بزرگان فرقه مالکی در عصر و زمان خود بوده است، کتابی با نام «الفصول المهمة فی معرفة احوال با وجود پاره ای از اختلاف نظرها در برخی از جزئیات مربوط به شخص امام مهدی علیه السلام و نیز در باره چگونگی ظهور و تشکیل حکومت آن حضرت، تمامی مذاهب اسلامی به آمدن چنین شخصیتی در آخر الزمان باور دارند

الائمة علیهم السلام » نگاشته که انگیزه تألیف آن را بیان شرح حال و مقامات ائمه دوازده گانه علیهم السلام معرفی کرده است و این نوشته را بنا بر درخواست برخی از معاصران خود به سامان رسانده است. وی در فصل دوازدهم این کتاب، شرح حال و خصوصیات امام مهدی علیه السلام را ذکر کرده و در آن، مباحث مختلف و احادیث گوناگونی در باره امام مهدی علیه السلام آورده است. وعده رسول خدا صلی ا علیه و آله به ظهور آن حضرت را مورد اثبات قرار داده و از نسب آن بزرگوار سخن گفته است.

نکته قابل توجه در نوشته های این نویسنده آن است که به مانند برخی دیگر از عالمان اهل سنت، معتقد به ولادت امام مهدی علیه السلام است و بر این باور است که آن حضرت اکنون زنده و در قید حیات می باشد.

3. محمد بن محمد بن الخطاب المالکی (م قرن دهم ه . ق)

وی در پاسخ به پرسشی در باره معتقدان به میّتی که مدعی مهدویت بوده و نیز راجع به منکران مهدویت گفته است: «عقیده طایفه یاد شده، در باره آن میّت در گذشته که او مهدی موعود است و باید در آخر الزمان ظهور کند، باطل و پوچ است؛ به سبب احادیث صحیحه ای که دلالت دارد بر وجود مهدی علیه السلام و خروج او و نیز حوادثی که در آستانه ظهور او اتفاق خواهد افتاد، همانند: ظهور سفیانی، فرو رفتن وی و لشکرش در زمین منطقه بیداء، کسوف خورشید در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در اول آن... و نیز به سبب احادیثی که دلالت دارند بر اینکه مهدی علیه السلام فرمانروای زمین خواهد شد و دجال، در روزگار وی ظهور خواهد کرد و دیگر علاماتی که هیچ کدام در دوره این شخص مرده ای که بدان اشاره شد، تحقق نیافته است.»

4.شیخ محمد الصبان (م 1307 ه . ق)

وی در کتاب «اسعاف الراغبین» فصلی را به بحث درباره امام مهدی علیه السلام ، نسب ایشان و محل ظهور و نیز نشانه های خروج حضرت بیان داشته است. علاوه بر روایاتی که در این باره ذکر کرده، مطالب مختلفی در تأیید این موضوع از بزرگانی چون محی الدین عربی و شعرانی نقل می کند.

عربی در جمع بین روایاتی که امام مهدی علیه السلام را از نسل امام حسین علیه السلام دانسته و روایاتی که آن حضرت را از نسل امام حسن علیه السلام می داند، مطالب متنوعی را بیان داشته است

5. محمد بن جعفر بن ادریس الکتانی المالکی (م 1345 ه . ق)

در کتاب «نظم المتناثر من الحدیث المتواتر» که در آن احادیث متواتر را جمع آوری کرده، روایات مربوط به امام مهدی علیه السلام را از جمله آنها دانسته و با استناد به سخنان و گفته های دانشمندان معروف و شناخته شده اهل سنت، بر تواتر این احادیث پای می فشارد و معتقد است که آمدن و ظهور امام مهدی علیه السلام بر اساس این احادیث و نیز وعده هایی که در آنها داده شده است، از

ضروریات و موارد حتمی می باشد.

منبع: نشریه مبلغان؛ خرداد1386؛ شماره91